

از انجمن معارف تا انجمن ترویج علم

*اسفندیار متمدی

چکیده

این مقاله با خلاصه‌ای از حکایتی که در چهار مقاله عروزی است آغاز می‌شود تا نشان دهد که حکیم طبعی و کریم نفسی سبب جمع شدن حکما و فضلا خواهد شد و چون وسایل زندگی‌شان فراهم گشت با هم ارتباط می‌یابند و مولد علم می‌شوند. آنگاه به معرفی انجمن معارف می‌پردازد که چگونه توانستند نهضت مدرسه‌سازی را در ایران پایه‌گذاری کنند و جریانی از انتقال دانش و فن جدید در ایران به‌وجود آورند که هم اکنون سراسر شهرها و روستاهای ما از فرآورده‌های آن بهره‌مند هستند. به دنبال کار انجمن معارف، از معاریف و نهادها و بنیادهایی سخن خواهیم گفت که توانستند با تلاش فراوان جامعه ایرانی را پویایی بخشند و به وضع کنونی برسانند. بخش پایانی مقاله به معرفی انجمن ترویج علم ایران و هدفها و وظایفی که در جهت همگانی کردن علم، گسترش تفکر و طرز فکر علمی و علاقه‌مند و فعال کردن افراد و گروه‌ها به فرآیند علم دارد، می‌پردازد.

چون: ابوعلی سینا، ابوسهل مسیحی، ابوالخیر خَمّار، ابوریحان بیرونی و ابوالنصر عراق. اما ابونصر عراق برادرزاده خوارزمشاه بود و در علم ریاضی و انواع آن ثانی بظلمیوس بود، و ابوالخیر خَمّار پدر طب، ثالث بقراط و جالینوس بود و ابوریحان در نجوم به جای ابومعشر و احمدبن الجلیل بود، و ابوعلی سینا و ابوسهل مسیحی جانشین ارسطو بودند در علم حکمت که شامل است همه علوم را. این طایفه در آن محل، وسایل زندگی‌شان فراهم بود و با یکدیگر با گرمی سخن می‌گفتند و بحث می‌کردند و به نوشتن کتاب مشغول بودند، تا آن که روزگار دگرگون شد و نوبت جدائی آنها فرا رسید» [۱].

کلید واژه

انجمن معارف، مدرسه، کتاب، معلم، روش علمی، فرآورده علم، فرآیند علم، انجمن ترویج علم.

مقدمه

ابوالعباس مأمون خوارزمشاه وزیری داشت، نام او ابوالحسن احمد سهیلی، مردی حکیم طبع، کریم نفس و فاضل، و خوارزمشاه همچنین حکیم طبع و فاضل دوست بود. به سبب ایشان چندین حکیم و فاضل بر آن درگاه جمع شده بودند،

بحث و تبادل نظری که میان این چند حکیم و فاضل در انجمن خوارزمشاه به‌وجود آمد جریانی از تولید و ترویج علم را به دنبال داشت که فرهنگ و تمدن اسلامی را به اوج شکوفایی رساند. صدها کتاب و رساله نوشته شد. دائرةالمعارف «قانون» در پزشکی و «شفا» در حکمت را ابن‌سینا تألیف کرد و کتاب گرانقدر «التفهیم» را ابوریحان بیرونی در هندسه و حساب و اخترشناسی به زبان شیرین فارسی نوشت. بحثهای علمی چهره به چهره به مجموعه الاسئله و الاجوبه بین ابوریحان و ابن‌سینا انجامید [۲].



*عضو انجمن ترویج علم ایران

تلفن: ۸۰۹۲۷۸۳ دورنگار: ۸۰۸۶۰۰۳

E-mail: Motamedi17@Hotmail.com

«گراف نخواهد بود اگر بگوییم که این دوره نشانه اوج فکر قرون وسطایی بود: دانشمندان بزرگ چندان فراوان بودند. (ابن یونس، ابن هیثم، بیرونی، ابن سینا، علی بن عیسی، کرخی، ابن جبرول (همه مسلمان بودند و آخری یهودی) که دست کم برای لحظه‌ای مورخ را مبهور می‌سازد. گرچه همه اینان مردان ممتازی به شمار می‌رفتند، دو تن سر و گردنی از دیگران برتر بودند: بیرونی و ابن سینا. بیشتر به‌خاطر اینان بود که آن عصر اینچنین درخشان و برجسته می‌نمود. این دو تن که به طریقی یکدیگر را می‌شناختند، باهم فرق بسیار داشتند. بیرونی صاحب روحی پرتکاپو و نقاد بود، و ابن سینا دارای روحی ترکیبی، بیرونی بیشتر کاشف بود و از این لحاظ به آرمان علمی جدید چه نزدیک‌تر شد. ابن سینا ذاتاً یک سازمان دهنده، جامع‌العلوم و فیلسوف محسوب می‌شد.....» [۳].

انجمن معارف

نخستین مؤسسه آموزشی که در ایران به سبک اروپائیان برپا شد، دارالفنون بود. امیرکبیر با هدف کسب و ترویج علوم و فنون جدید، به منظور رفع نیازهای نظامی و فنی کشور به ساختن دارالفنون فرمان داد. محل ساختمان را شخصاً در مجاورت کاخ‌های سلطنتی و با موافقت ناصرالدین‌شاه انتخاب کرد. با تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ق/۱۲۳۱ش)، امید به اصلاحات در جامعه ایرانی به‌وجود آمد.

علاقه مسئولین کشور و فعالیت معلمان فرنگی و ایرانی، جریانی از آموزش و ترویج علوم و فنون را به‌وجود آورد که تصویر می‌شد نظم نوینی در جامعه پدید می‌آید که می‌تواند عقب‌ماندگی‌های هفت قرن گذشته را جبران کند و ایران را ایرانی را به سوی سازندگی رهنمون شود. اما این امیدها دیری نپایید و سال به سال توجه مسئولین، نظم و سطح آموزشی کاهش یافت و با جدا شدن شعبه‌های طب و حراحی و بخش‌های نظامی از آن، دارالفنون به یک مدرسه متوسط معمولی تبدیل شد و سرانجام هم تعطیل شد.

«نیرالملک و ادیب الدوله نقل می‌کردند، نمی‌شد شاه [ناصرالدین‌شاه] سوار شود و سری به مدرسه نزند، به اطاق‌ها نرود، تشویق نکند و انعام ندهد. بعد از آن اقدام بی‌موقع

[ترسانیدن شاه از مدرسه و اهل مدرسه] اسم مدرسه را با انزجار می‌شنید و به حفظ صورتی قانع بود» [۴].

دومین گام فعالیت آموزشی به سبک فرنگیان تأسیس مدرسه ابتدایی و در نهایت دبیرستان البرز بود. در سال ۱۸۷۱ میلادی پس از وقوع جنگ‌های داخلی در آمریکا برخی از آمریکاییان به سمت غرب و برخی دیگر به سوی شرق مهاجرت نمودند. در این میان می‌توان به مهاجرت آقای Bassette به ایران اشاره نمود. وی دو سال پس از ورود به ایران، یک مدرسه ابتدایی در نزدیکی دروازه قزوین تأسیس کرد. این موضوع در بیست و ششمین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و ۲۲ سال پس از تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر و ۲۱ سال قبل از انقلاب مشروطه در ایران به وقوع پیوست و در حقیقت زمینه را برای تأسیس دبیرستان البرز مهیا نمود.



در حالی که افراد بسیاری در شکل‌گیری و رونق دبیرستان نقش غیر قابل انکار داشته‌اند، از این میان نقش دو نفر از شخصیت‌های اداره کننده البرز یعنی آقای دکتر مجتهدی و آقای دکتر جردن بارزتر می‌باشد. دکتر جردن ۴۲ سال رییس دبیرستان

البرز بود، یعنی از سال ۹۴۰-۱۸۹۹ میلادی. در دوره ریاست وی البرز از حالت مدرسه ابتدایی به دبیرستان تغییر شکل داد و در سال ۱۹۴۰ از آمریکاییان خریداری شد و تا این تاریخ در راستای پرورش افراد نخبه نقش بسزایی را در کشور ایفا نموده است، علاوه بر دارالفنون و دبیرستان البرز تهران در تبریز و اصفهان هم دو مرکز آموزشی به سبک دارالفنون تأسیس شد. دارالفنون تبریز در سال ۱۲۷۵ ق به کوشش مظفرالدین میرزای ولیعهد و مدرسه همایونی اصفهان در ۱۳۰۰ ق به درخواست مسعود میرزا ظل السلطان دایر شدند لکن اولی با بی توجهی روبه رو شد و دومی با دستور ناصرالدین شاه تعطیل شد. به طوری که سال‌ها کسی جرأت نکرد که از تأسیس مدرسه سخن گوید [۵].

در سال ۱۳۱۳ ق ناصرالدین شاه کشته شد و مظفرالدین شاه به جای او بر تخت نشست. یک سال بعد میرزا علی خان امین الدوله (۱۲۵۹-۱۳۲۲ ق) به عنوان وزیر اعظم بر مسند صدارت ایران قرار گرفت و زمام امور کشور را به دست آورد. امین الدوله با دیده روشن بین، با خیال آزاد، با اطلاع کافی از اوضاع دنیا و از احتیاجات وطن می‌خواهد کشتی این مملکت را از چهارچوب حوادث، از میان طوفان‌های شدید به ساحل نجات برساند. در صورتی که کار آسانی نیست... با وجود موانع بسیار که بزرگ‌ترین آنها سستی عزم شاه است و با کمی اسباب که سرآمد آن تهی بودن خزانه دولت است، زمامدار امور می‌گردد. امین الدوله می‌داند درد ملت نادانی است و دوی آن دانایی از این رو پیش از هر کار به معارف اهمیت می‌دهد و از همین نقطه نظر است که ستوده می‌شود. امین الدوله می‌فهمد که مملکت مرد می‌خواهد مرد علم و علم مکتب و مدرسه و این چیز است که همه کس باید بفهمند. امین الدوله بیداران تهران را در هر لباس که باشند به مساعدت در نشر معارف می‌خواند و همه را به همراهی با تأسیس مدارس جدید و تجدید اصول تعلیم و تعلم تشویق می‌نماید.

نخستین اقدام امین الدوله، دعوت میرزا حسن رشیدی از تبریز به تهران و تأسیس اولین مدرسه ابتدایی به سبک جدید بود. ۱۳۱۵ ق حاج میرزا حسن (۱۲۶۷-۱۳۶۳ ه ق) که روحانی و از پیشقدمان فرهنگ نو در ایران بود تحصیلاتی در تبریز، نجف و

دارالمعلمین بیروت داشت پس از مسافرت به مصر و ترکیه به ایران آمد و در سال ۱۳۰۰ ق دبستان رشیدی را در تبریز دایر کرد که مرتب با انواع مخالفت‌ها روبرو شد. تا آن که در تهران استقرار یافت و به اداره امور مدرسه جدید پرداخت. در مدرسه رشیدی به دانش‌آموزان ناهار و لباس داده می‌شد. مخارج مدرسه از راه کمک‌های امین الدوله و عموم مردم تأمین می‌شد. برای نظارت در مخارج پولهایی که به مدرسه می‌رسید انجمن به نام «امنای رشیدی» تشکیل شد و این جمع هسته انجمن معارف گردید.

نخستین پایه‌گذار انجمن معارف میرزا کریم‌خان سردار مکرّم از روسای معروف مدرسه نظام و رییس افواج سوادکوه و از ثروتمندان بود. او که می‌خواست از اموال خود دارالایتم بسازد از امین الدوله اجازه گرفت و "جمعی از دوستان معارف خواه را در خانه خود دعوت کرد و با آنها در کار تأسیس دارالایتم مشورت کرد. این مجلس که در اواسط ماه رجب ۱۳۱۵ ق تشکیل شد اولین مجلس است که برای مشورت در کار معارف به صورت ملی منعقد می‌گردد. نگارنده نیز از دعوت‌شدگان می‌باشد. سردار مکرّم مجلس را افتتاح و مقصد از انعقاد آن را بیان می‌نماید و مورد تحسین حاضرین گشته و مقرر می‌گردد بنای دارالایتم را به زودی تمام نموده مدرسه را دایر سازد. بنای مزبور در این مجلس به پیشنهاد نگارنده خیریه نامیده می‌شود» [۶].

مدرسه خیریه جمعی از ایتم را به‌طور شبانه‌روزی نگاهداری و تربیت می‌کرد. پیشنهاد تأسیس انجمن معارف را امین الدوله در مدرسه رشیدی اعلام و تعدادی از معارف‌پروران را برای عضویت آن نامزد می‌کند. فهرستی از این افراد همراه با نام جعفرقلی‌خان نیرالملک که وزیر علوم و رییس دارالفنون بود به امضای صدراعظم رسید و انجمن رسماً تأسیس شد. هدف انجمن تأسیس مدارس، گسترش فرهنگ نو و ترویج علم در جامعه بود. نخستین جلسه انجمن معارف در ماه شوال ۱۳۱۵ ق با حضور وزیر علوم در مدرسه رشیدی تشکیل شد. اعضای حاضر در این جلسه عبارت بودند از:

جعفرقلی‌خان نیرالملک وزیر علوم، میرزا محمودخان مفتاح‌الملک، میرزا محمودخان احتشام السلطنه، مهدی‌خان

فعالتهای انجمن معارف

۱- تأسیس مدرسه علمیه (نخستین دبیرستان در ایران)
نخستین اثر انجمن معارف تأسیس مدرسه علمیه (۱۳۱۵ق/۱۲۷۶ش/۱۸۹۷م) در تهران بود. این مدرسه از دو بخش ابتدایی و متوسطه تشکیل شد و آن را مدرسه «علمیه و ابتداییه» نامیدند. مدرسه ابتدایی دارای ۴ کلاس و متوسط ۳ کلاس داشت. ریاست مدرسه را مهندس علی خان ناظم‌العلوم برعهده گرفت. وی فارغ‌التحصیل مدرسه پلی‌تکنیک «سن‌سیر» فرانسه بود. نظامت بخش ابتدایی بر عهده محمد صفرخان، پسر محمدحسین خان ادیب‌الدوله و نظامت بخش علمی با محمدکاظم خان رشتی بود.

هر دانش‌آموز برای رشته علمی در موقع ثبت‌نام چهار تومان پرداخت می‌کرد و برای لوازم‌التحریر ماهیانه ۱۵ ریال به مدرسه می‌داد. تهیدستان به رایگان پذیرفته می‌شدند. بخش ابتدایی یک سال بعد از مدرسه علمیه جدا شد و به نام مدرسه شرف به ریاست میرزا علی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء افتتاح شد. رییس و معلمان مدرسه از میان دانشمندان زمان خود انتخاب شدند. محمدعلی فروغی ذکاءالملک نخستین معلم فیزیک و شیمی و زبان فرانسه این مدرسه بود و نخستین کتاب فیزیک دبیرستان را در همین مدرسه تألیف کرده است. میرزا عبدالعظیم‌خان قریب، شمس‌العلمای گرگانی و شیخ محمدرفیع نظری از دیگر معلمان این مدرسه بودند. پس از میرزا علی‌خان ناظم‌العلوم، حاج مخبرالسلطنه هدایت مدیریت مدرسه را بر عهده داشت.

«در آن روزگار این مدرسه یگانه مدرسه ملی بود که درسهای علوم و ریاضیات در آن تدریس می‌شد. اما در دوره متوسطه هیچ کتاب درسی نبود و شاگردان همه دروس را چه در ادبیات و چه در ریاضیات و چه در طبیعیات جزوه می‌نوشتند. به علاوه این تنها مدرسه‌ای بود که معلم ورزش و ژیمناستیک داشت» [۷].

۲- تأسیس دبستانها

موفقیتهای که انجمن معارف در تأسیس مدرسه علمیه به دست آورد و اقبال عمومی مردم به شیوه آموزش جدیدی که رشدیبه پایه‌گذار آن بود باعث شد که با سرعت مدارس زیادی تأسیس

ممتحن‌الدوله، میرزا عباسخان مهندس باشی و حاج میرزا حسن رشدیه مدیر مدرسه و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی^۱ در این جلسه کتابچه‌ای برای جمع‌آوری اعانات به جهت تأسیس مدارس مرتب می‌کنند و آن را به حضور شاه می‌فرستند. در موضوع خرج زیاد در رشدیه صحبت طولانی می‌شود و بالاخره از درس شاگردان و کتابهایی که باید تهیه شود نیز مذاکره به میان می‌آید. در هفتمین جلسه انجمن معارف که در اواسط ذی‌الحجه ۱۳۱۵ ق تشکیل شد مقرر شد که حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی و میرزا علی‌خان ناظم‌العلوم هر یک رساله‌ای درباره توسعه معارف و مدارس جدید بنویسند و قرائت نمایند. ضمناً در این مجلس احتشام‌السلطنه و ناظم‌العلوم مأموریت یافتند که خانه‌ای برای مدرسه علمی و ابتدایی بیابند و عملاً نخستین دبیرستان ایران را تأسیس کنند.

مصوبات مجلس هفتم در فاصله سه روز عملی شد و مدرسه علمی و ابتدایی افتتاح و جلسه هشتم انجمن در آن تشکیل شد. به این ترتیب نخستین پایگاه ملی برای آموزش و ترویج علم در ایران آغاز به کار کرد.

نخستین مؤسسه آموزشی که در ایران به سبک اروپائیان برپا شد، دارالفنون بود. امیرکبیر با هدف کسب و ترویج علوم و فنون جدید، به منظور رفع نیازهای نظامی و فنی کشور به ساختن دارالفنون فرمان داد. محل ساختمان را شخصاً در مجاورت کاخ‌های سلطنتی و با موافقت ناصرالدین شاه انتخاب کرد.

شود به طوری که در عرض چند سال در زمان مظفرالدین شاه و تا انقلاب مشروطیت بیش از ۵۰ مدرسه جدید در تهران و شهرستان‌ها دایر شد.

جریان تأسیس مدارس جدید که با کوشش انجمن معارف آغاز شد علاوه بر پسران به تدریج دختران را هم شامل شد و در ایالات و ولایات نیز آثار خود را نشان داد. در بسیاری از این مدارس ملی ایتمام و تهیدستان به طور رایگان پذیرفته می‌شدند و حتی به آنها ناهار، کتاب و شهریه پرداخت می‌شد. در آغاز دوره مشروطیت هم آهنگ تأسیس مدارس ملی افزایش یافت تا آن که در سال ۱۳۳۶ در زمان وزارت نصیرالدوله در وزارت معارف و صنایع مستظرفه مصمم شد که آموزش ابتدایی و متوسطه را گسترش دهد و به دنبال آن مقرر شد ۴۶ باب مدرسه در ۱۶ ایالت و ولایات تأسیس گردد.

۳- تألیف کتابهای درسی و تأسیس شرکت طبع کتب

اعضای انجمن معارف علاوه بر تأسیس مدارس، به تألیف کتابهای درسی نیز پرداختند. یکی از کتابهایی که حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی نوشته کتابی در موضوع شریعت با عنوان کتاب علی است.

کتاب علی نه تنها درس شریعت مکاتب را منظم نموده قابل توجه می‌شود بلکه به منزله سپری است برای نگهداری نمودن معارف نوری از تیرهای تهمت بی‌دیانتی که از طرف بی‌دیانت‌های حقیقی به جانب مؤسسين آن رها می‌گردد... نگارنده به پاس حقوق [میرزا علی خان] امین‌الدوله که تا این وقت در تهران است اول نسخه کتاب علی را که جلد شده به یادگار برای او می‌فرستد... کتاب علی انجمن معارف را تقویت می‌دهد، مکاتب را روح تازه می‌بخشد و زبان بدخواهان را تا یک اندازه کوتاه می‌نماید [۸].

میرزا علی‌اکبرخان نفیسی، ناظم‌الاطباء کتابی به نام «تعلیمات ابتدایی» تألیف کرد که در همه دبستانها تدریس می‌شد.

کتاب «تعلیم الاطفال» را میرزا محمودخان مفتاح‌الملک برای کلاس اول نوشت. کتاب جغرافیا را محمدصافی خان، کتاب هندسه را علی‌خان ناظم‌العلوم و کتاب فرانسه را میرزا

عباسقلی خان قریب و کتاب فیزیک را ذکاءالملک فروغی نوشته است.

حاج میرزا حسن رشديه حق بزرگی بر گردن آموزش و پرورش جدید ایران دارد. نوآوری‌های آموزشی او عبارتند از:

الف- دگرگونی در روش آموزش- دانش آموزان با روش او به جای چند سال توانستند در عرض سه یا چهار ماه بخوانند و بنویسند و این موضوع تحولی در آموزش و پرورش بود که به دست رشديه انجام شد:

ب- دگرگونی در متن و محتوا- او برای دانش‌آموزان کتاب بدایه‌التعلیم (در سه جلد) کتاب نهایه‌التعلیم (در دو جلد)، کتاب کفایه‌التعلیم را برای یاد دادن خواندن و نوشتن، هدایه‌التعلیم برای تربیت معلم تألیف کرده بود. اما برخی مطالب آن به مسائل سیاسی و اجتماعی اشاره داشت. رساله تنبیه‌الغافلین نیز در آخر کتاب کفایه‌التعلیم پیوست کرده بود. به طوری که یکی از شاگردانش که بعداً از پیشروان مشروطیت شد گفته بود: آقای رشديه: تنبیه‌الغافلین شما، نه تنها اولین درس مشروطیت و آزادی‌طلبی بود بلکه آخرین درس مشروطیت و آزادی هم همان است. رشديه حدود ۲۷ اثر چاپ شده دارد.

پ- تنظیم برنامه درسی- او برای هر ساعت درس، درس ویژه‌ای پیش‌بینی کرده بود.

ت- امتحان یا ارزشیابی تحصیلی- در پایان هر سال با حضور اولیای دانش‌آموزان و رجال مملکت از شاگردان امتحان می‌گرفت.

ث- تنظیم نظامنامه

۴- تأسیس کتابخانه ملتی مرکزی ایران

یکی دیگر از وظایفی که انجمن معارف بر عهده خود معین کرده بود تأسیس کتابخانه و دارالترجمه و دارالتألیف و کلاس‌های شبانه برای بزرگسالان بود. نیز در نظر داشت «مکان را وسعت داده به اندازه‌ای که یک حوزه ملی تجدیدپرور از دانشمندان و وطن‌خواه‌ترین اشخاص پایتخت در آن حوزه شرکت نموده همه شب دایر و در مسایل سیاسی، اقتصادی، فکری با کمال آزادی مذاکره نمایند [۹].



محل کتابخانه عمومی در خیابان جلیل‌آباد (خیابان خیام امروزی) در حوالی کاخ دادگستری فعلی از کمک‌های مردمی خریداری شد و اعضای انجمن در مدت کم، حدود یک‌هزار جلد کتاب در فنون مختلف جمع‌آوری و به کتابخانه اهدا کردند. ریاست کتابخانه را به محمداسماعیل خان آجودان‌باشی واگذار کردند. «انجمن معارف پس از آن به تأسیس مدرسه اکابر در مرکز خود پرداخته. ریاست آن را بر عهده میرزا غیاث‌الدین ادیب کاشانی می‌گذارد و کلاس‌های اکابر به خوبی دایر می‌شود. انجمن به تأسیس دارالتألیف و دارالترجمه نیز شروع نموده درصدد تشکیل شرکتی برای طبع و نشر کتب برآمده میرزا محمدحسین فروغی ذکاءالملک و پسرش میرزا محمدعلی خان و شیخ محمدبن عبدالوهاب قروینی را برای انجام این امر اجیر می‌نماید» [۱۰].

۵- انتشار روزنامه

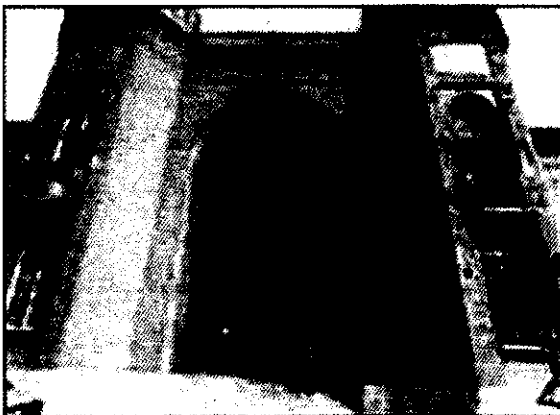
روزنامه معارف در تاریخ اول شعبان ۱۳۱۶ ق شروع به کار کرد. اجازه تأسیس روزنامه را میرزا محمود مفتاح‌الملک، بانی مدرسه افتتاحیه و عضو انجمن معارف دریافت کرد. بیشتر مطالب این روزنامه مربوط به امور آموزشی بود.

موافقتها و مخالفتها با انجمن معارف

اعضای انجمن معارف از معاریف و فرهنگ‌پروران زمان خود بودند. بسیاری از آنها از پیشروان دینی و آگاه به مسائل ایران و جامعه جهانی بودند، اندیشمند و سخنگو و نویسنده بودند، توانایی مالی داشتند و برای رسیدن به هدفهای تربیتی، آموزشی و علمی خود حاضر به سرمایه‌گذاری بودند. اعضای انجمن معارف در آغاز کار خود متحد و بسیار کوشا بودند به طوری که در همان سال اول تأسیس، چند مدرسه برپا کردند و برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای ترویج علم و گسترش دانش تنظیم نمودند. لیکن اختلافات کوچکی میان آنها به وجود آمد که بر اثر تحریک دشمنان و مخالفان گسترش فرهنگ روز به روز شدت یافت، به طوری که استقلالی که مورد نظر اعضا بود و آن مجزا بودن کامل انجمن از وزارت علوم و دولت، امکان نیافت و مظفرالدین‌شاه نسبت به فعالیت‌های انجمن بدبین شد و ریاست

آن را به خود اختصاص داد و نیرالملک را طبق فرمان زیر به نیابت از خود برگزید:

«نیرالملک وزیر علوم و معارف، چون کار ایجاد مدارس و مکاتب ملیه و کتابخانه ملتی به فضل خدا و حسن مراقبت و اقدامات شما و اجزای انجمن معارف پیشرفت کامل حاصل نموده و موجب خرسندی خاطر ما گردیده است و امیدوار است انشاءالله تعالی روز به روز بهتر و کامل‌تر شود و از طرف ما باید مراقبت و توجه مخصوص در این باب بشود. و در حقیقت ریاست این اداره و مجلس حق شخص همایون ماست، لذا شما را که شخص مجرب کافی و دولتخواه بی غرض و از اوضاع داخله و خارجه کاملاً با اطلاع هستید از جانب خودمان مأموریت می‌دهیم که زائداً علی‌ماسبق مراقبات کامله در انتظام امر مدارس و مکاتب و مجلس انجمن معارف و صندوق انجمن، و حفظ احترام اعضای آن به عمل آورده و راپرتها و عرایض و مستدعیات انجمن را که راجع به امر مدارس ملیه و کتابخانه ملتی است به اطلاع جناب مستطاب اشرف صدراعظم بدون تأخیر به عرض برسانید و احکام لازمه را هر طور صلاح بدانید صادر نمایید و مجرا دارید، که ما شخص شما را در امورات مزبور مشمول می‌دانیم لا غیر» [۱۱].



علاوه بر اختلاف‌هایی که درون انجمن وجود داشت و موجب دو دستگی آنها شد، سنت‌گرایان که با هرگونه تغییر مخالف بودند، هیچگاه دست از مخالفت بر نمی‌داشتند. سرانجام طرفداران امین‌السلطنه اتابک، صدراعظم بودند که آشکارا با گسترش فرهنگ جدید و مدارس نو بنیاد به مخالفت برخاستند.

شورای عالی معارف

انجمن معارف پیشرو گسترش آموزش و پرورش جدید در ایران، بنیانگذار بیش از پنجاه مدرسه، پایه‌گذار کتابخانه ملی و دارالتألیف و ترجمه و تشکیل کلاسهای بزرگسالان بود اما در اثر مخالفت‌های گوناگون به رکود و تعطیلی کشانده شد. به دستور امین‌السلطان، مدرسه رشديه که پایگاه متحدان و آزادیخواهان بود پس از شناسایی افرادی که در آن جمع می‌شدند و مخالف اتابک بودند برچیده شد و افراد آن یکی پس از دیگری شناسایی و دستگیر و برخی نیز تبعید گردیدند [۱۲].

با انحطاطی که در انجمن معارف به‌وجود آمد، میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان - اتابک اعظم، نیرالملک وزیر علوم را مأمور تأسیس شورای معارف (جانشین انجمن معارف) و طرح تشکیلات وزارت علوم کرد. نخستین جلسه شورای عالی معارف در روز سه‌شنبه ۲۵ شعبان ۱۳۱۹ق تحت ریاست وزیر علوم با شرکت اعضای که چند نفر آنها همان اعضای انجمن معارف بودند تشکیل شد:

«شورای عالی معارف نظامنامه تشکیل وزارت علوم و معارف را تنظیم و مدارس را به دولتی و ملی و ابتدایی و متوسطه و عالی تقسیم کرد و هم‌چنان برقرار بود و برنامه و حدود وظایفش وسیعتر شد بعد از تشکیل فرهنگستان ایران، نام شورای عالی معارف به شورای عالی فرهنگ تغییر یافت و در سال ۱۳۴۳ ش که وزارت آموزش و پرورش به‌وجود آمد، نام شورای عالی آموزش و پرورش را بر آن نهادند [۱۳].

پس از استقرار مشروطیت، نخستین بار در سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷ مجلس به امور مدارس توجه کرد و قوانینی وضع نمود. اما قانون اساسی معارف در دهم ذی‌قعدة سال ۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش به تصویب مجلس رسید و دو سال بعد در سال ۱۳۰۰ش قانون

شورای عالی معارف تصویب شد که قسمتی از وظایف آن به این شرح بود:

۱- اهتمام در ترویج خط، زبان و ادبیات فارسی و عربی و نشر مقالات علمی عام‌المنفعه.

۲- مشورت در رفع نقائص تعلیمات عمومی و سعی در تهیه وسایل تأسیس مدارس صنعتی و فلاحتی و شبانه‌روزی و تعلیم ورزش‌های بدنی و رعایت قوانین حفظ‌الصحة و مراقبت در دستور تحصیلات مدارس خارجه.

۳- تجدیدنظر در احکام صادره از شوراهای معارف ایالات و ولایات.

به این ترتیب اعضای انجمن معارف وظایف و مسئولیتهای خود را در نهادی به نام شورای عالی معارف و بعداً شورای عالی آموزش و پرورش قانونی و تثبیت کردند و هر یک تا زمانی که می‌توانستند در راه ترویج آموزش و پرورش کوشیدند و ایران را به سوی تحول و سازندگی به حرکت در آوردند.

یک قرن تلاش

از زمانی که مدرسه رشديه در تهران تأسیس شد (۱۳۱۵ق/۱۲۷۵ ش) و انجمن معارف شکل گرفت بیش از یک قرن می‌گذرد. در طول این مدت تلاش‌های فراوانی در جهت گسترش آموزش و پرورش و ترویج علم صورت گرفت. در همان سال تأسیس انجمن، چندین مدرسه در تهران افتتاح شد، مدرسه علوم سیاسی در ۱۳۱۷ق، مدرسه فلاحت مظفری در ۱۳۱۸ق گشایش یافت. در ایالات و ولایات نیز تأسیس مدرسه به سبک جدید آغاز شد. یکی از این مدارس، مدرسه باقریه اصفهان است که در ۱۳۱۸ توسط میرزا باقرخان منشی‌الملک دایر شد. نظامنامه این مدرسه که در ۵۵ ماده و ۵ فصل تنظیم و منتشر شده یکی از سندهای مهم معارف خواهی مردم ایران است [۱۴]. در همین مدت تأسیس مدارس، به وسیله اتباع خارجی در ایران با اقبال عمومی روبه‌رو شد و مدارس انگلیسی، آمریکایی و فرانسوی باز شد. در سال ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش انقلاب مشروطیت صورت گرفت و مجلس شورای ملی تأسیس شد. گرچه در سال‌های اولیه پس از انقلاب مشروطیت توجهی به امور مدارس و معارف کشور نشد لیکن از سال ۱۳۲۷ق به بعد همه ساله بر



گسترش معارف تأکید شد. در زمان وزارت صنیع‌الدو ادیب‌الدوله، حکیم‌الملک، نصیرالدوله، ممتاز الملک قدمهای بلندی در توسعه معارف ایران برداشته شد و سال به سال بر بودجه معارف و تعداد مدارس دولتی و ملی افزوده شد به طوری که بودجه وزارت معارف که در سال ۱۳۲۸ق فقط ۱/۱۹۱/۵۴۰ قران بود در ده سال بعد، ۱۳۳۸ق/۱۲۹۶ش به ۱۵۶/۳۴۴/۱ قران و سال بعد تقریباً دو برابر و به ۲۶۰۹۳۶۸ رسید.

اعضای انجمن معارف از معارف و فرهنگ‌پروران زمان خود بودند. بسیاری از آنها از پیشروان دینی و آگاه به مسائل ایران و جامعه جهانی بودند، اندیشمند و سخنگو و نویسنده بودند، توانایی مالی داشتند و برای رسیدن به هدفهای تربیتی، آموزشی و علمی خود حاضر به سرمایه‌گذاری بودند.

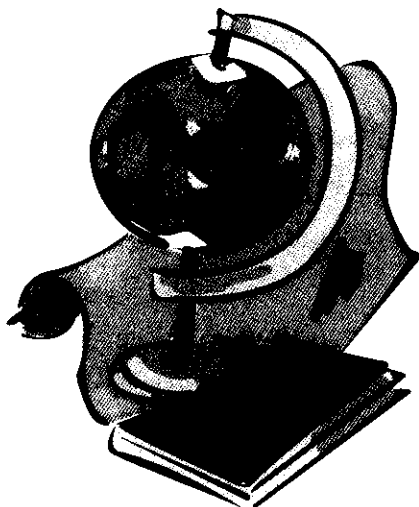
معلمان این مرکز استادانی چون عباس اقبال آشتیانی، غلامحسین رهنما، فاضل تونی، عبدالعظیم‌خان قریب، حبیب‌الله ذوالفنون، دکتر علی اکبرسیاسی، دکتر عیسی صدیق، دکتر رضازاده شفق و بدیع‌الزمان فروزانفر بودند. این مرکز دبستانی نیز داشت که در آن معلمین آینده به تجربه عملی دست می‌زدند و با راهنمایی استادان خود دانش و بینش لازم را کسب می‌کردند. در ۱۳۰۷ش دارالمعلمین عالی تأسیس شد و در سال ۱۳۱۲ش نامش به دانشسرای عالی تغییر یافت. در ۱۳۱۳ش دانشگاه تهران تأسیس شد. با تأسیس دانشسرای عالی و دانشگاه تهران آموزش به ویژه علوم پایه فیزیک و شیمی و طبیعی و ریاضی وارد مرحله جدیدی شد. رشته فیزیک و شیمی به همت شادروان دکتر محمود حسابی وقتی تأسیس شد که فقط سه نفر دانشجو داشت. دکتر حسابی برای آن که علم فیزیک را در ایران نهادینه کند به تدریس همه شاخه‌های فیزیک دست زد و برای آن که آموزش فیزیک و تحقیق در آن جریان یابد به تأسیس انجمن فیزیک ایران (سال ۱۳۱۲ش) اقدام کرد.

تأسیس دانشسرای عالی و دانشگاه تهران که با همت و پشتکار معارفی چون دکتر حسابی، دکتر صدیق، دکتر سیاسی، علی‌اصغر حکمت و .. به وجود آمدند توانستند راه انتقال علم و فن را به ایران باز کنند و وسیله تربیت هزاران پزشک، مهندس، معلم، کارشناس، قاضی، را فراهم آورند تا آنها با خدمات همه‌جانبه خود جامعه ایرانی را از رکود و سستی رها کرده و به سوی سازندگی و تولید علم و فن رهنمون شوند.

تاریخ یکصد ساله آموزش و پرورش ایران شاهد تلاش‌های فراوان آموزگاران، دبیران و استادانی است که با کوشش‌های فردی و جمعی خود توانستند جامعه ایرانی را از تقریباً بی‌سوادی مطلق به وضع فعلی برسانند. گرچه این کوششها همواره قرین موفقیت نبوده و با انواع مقاومت‌ها و مخالفت‌ها روبه‌رو بوده است ولیکن معلمان ما هیچگاه از تلاش و کوشش باز نایستاده‌اند و در این راه حتی با نثار خون خود راه را هموار کرده‌اند. خوشبختانه کوشش معلمان و مهندسان و کارشناسان آموزشی وضعیت فقط به چهار دیوار کلاس و کارخانه و مزرعه محدود نشده و گروه‌هایی که همیشه و همه جا احساس مسئولیت می‌کنند علاوه بر فعالیت‌های فردی به فعالیت‌های

در سال ۱۲۹۷ش کارهای مهمی برای گسترش معارف صورت گرفت مهمترین این کارها تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات برای تربیت آموزگاران مرد و زن بود. قانون تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات در سال ۱۲۹۷ش تصویب شد. بر طبق قانون «دارالمعلمین مرکزی، مدرسه‌ای است دولتی و مجانی تحت اداره وزارت معارف که برای تعلیمات ابتدائیه و حد معینی از تعلیمات متوسطه، معلم تربیت می‌کند و با این نظر منسجم به دو شعبه است: یکی شعبه ابتدایی دیگر شعبه عالی. مدت تحصیلی در شعبه عالی چهار سال است.» رییس و معلمان دارالمعلمین همواره از برگزیدگان علم و فرهنگ کشور بودند. ریاست دارالمعلمین به مدت ۱۰ سال با مرحوم ابوالحسن فروغی و نظامت آن با مرحوم اسماعیل مرآت بود. نخستین

فرهنگ اسلامی کشور، مواجهه با تمایلات حامیان غلبه یک فرهنگ خاص در دنیا، ملاحظات جهانی شدن معضلات گوناگون اجتماعی؛ و سرانجام دریافت چگونگی و حصول به نقش مناسب کشورمان در دنیای پرآشوب امروز.



اجتماعی هم روی آوردند. و انجمن‌ها، مراکز، باشگاه‌ها، بنیادها و خانه‌های علم و ... را به وجود آوردند تا با مشارکت همگان بر سرعت پیشروی جامعه بیفزایند. نمونه این فعالیت‌های گروهی عبارت است از:

انجمن‌ها: انجمن فیزیک ایران، انجمن معلمان علوم تجربی، انجمن علمی جوان، و انجمن ترویج علم ایران و خانه ریاضیات اصفهان و.....^۲

انجمن ترویج علم ایران

درست یک صد سال پس از تأسیس انجمن معارف مقدمات تأسیس انجمن ترویج علم ایران به وجود آمد. با این تفاوت اساسی که در آن روز کوشش بر آن بود تا دبستان و دبیرستانی و روزنامه و کتابخانه‌ای به وجود آید تا فرآورده‌های علم را به دانش‌آموزان انتقال دهد و امروز تلاش در این جهت است که یادگیرندگان با فرآیند علم آشنا شوند تا خود بتوانند به تولید علم دست بزنند. فرآورده‌های علم فرضیه‌ها، نظریه‌ها و قوانینی هستند که دانشمندان آنها را کشف و بیان کرده‌اند. این مفاهیم را در کتابهای درسی می‌توان یافت و معلم سخن‌گو می‌تواند آنها را از کتاب به ذهن دانش‌آموز و دانشجو منتقل و انبار کند. اما این ذخیره‌های ذهنی مولد نیستند و فقط به کار بازگو کردن مجدد و یا نوشتن بر ورقه امتحانی و گرفتن نمره و ارتقای به کلاس بالاتر، می‌خورند. و این همان راهی است که مدارس و دانشگاه‌های ما در یکصد سال گذشته پیمودند.

اما فرآیند علم راه و روشی است که فرد از لحظه برخورد با مسئله یا مشکل می‌پیماید و عمل می‌کند تا به حل آن برسد. کسی که فرآیند علم را فراگیرد، خود مشکل‌گشا می‌شود و به حل مسائل می‌پردازد. مهمترین عاملی که سبب تأسیس انجمن ترویج علم ایران شد وجود مسائلی در درون کشور و تحولات علم و تحقیقات و فناوری در جهان بود. مانند:

تأمین غذا، آب، بهداشت و خدمات برای جمعیتی که در ابتدای قرن پانزده هجری از مرز ۱۰۰ میلیون نفر خواهد گذشت با فراهم کردن امکانات آموزش و پرورش و اشتغال برای جمعیت جوان و پرتحرک کشور، حفظ امنیت کشور در منطقه‌ای پرتلاطم و راهبردی، افزایش مشارکت اجتماعی، حفظ و اعتلای

آرمان‌های انجمن

- ۱- نهادینه کردن برنامه‌های علمی در تمام سطوح جامعه
- ۲- به مشارکت گرفتن افراد علاقه‌مند، از قشرهای گوناگون جامعه. برقراری بستری متناسب، به منظور انسجام بخشیدن و روان‌سازی فعالیت‌های علمی کشور.
- ۳- ارتباط با نهادها و تشکل‌های علمی، چه غیر دولتی چه دولتی، به منظور پرورش نسلی علاقه‌مند به علم و تفکر علمی.
- ۴- ترویج و گسترش علم در زندگی روزمره جامعه و آینده‌سازی مبتنی بر علم از طریق آموزش‌های متکی به دانش‌روز و سرانجام دستیابی به خودباوری ملی.

هدف‌های انجمن

- شناساندن اهمیت و روش‌های ترویج علم به جامعه.
- یافتن شیوه‌هایی برای ترویج علم بین عموم مردم.

- جست و جوی راهکارهای جلب مشارکت میان نهادهای علمی کشور.

- آموزش به مروجان علم.

- برقراری آئین نهادینه کردن ترویج علم در جامعه.

- کنکاش برای یافتن هر راهکاری که می‌تواند دستیابی به هدفهای تعیین شده را ممکن سازد.

در جهت رسیدن به هدفهای انجمن فعالیتهای زیر تاکنون صورت گرفته است:

۱- شناسایی و گزینش و معرفی کسانی که در راه ترویج علم پایدار، خلاق، آینده‌نگر بوده و فعالیتی گسترده، گروهی، ارزشمند با انگیزه درونی داشته‌اند و قدردانی از آنها با اهدای جایزه ترویج علم و لوح تقدیر.

۲- شناسایی مراکز علمی و صنعتی و فرهنگی برای بازدید هدفمند دانش‌آموزان و تنظیم و اجرای برنامه کار.

۳- برگزاری دو کارگاه با عنوان‌های «چگونه پژوهش کنیم- تیرماه ۸۳» و «بررسی مفهوم پژوهش‌های دانش‌آموزی- آبان ۸۲»، برای دبیران یکی از دبیرستان‌های دولتی تهران «شهریور ۸۳».

۴- برگزاری همایش بزرگ «تأسیس مدرسه دارالفنون خرداد ۸۲» و «همایش گذر زهره خرداد ۸۳».

۵- برگزاری سخنرانی‌های دوره‌ای.

۶- انتشار کتابهای «چگونه پژوهش کنیم»، «مدرسه دارالفنون، پنج شماره خبرنامه و همکاری با انتشارات «نشر فرهنگ اسلامی» برای ترجمه و چاپ کتابهای علمی تا سقف ۲۰ عنوان در سال.

۷- برقراری ارتباط با بسیاری از نهادها و مراکز علمی داخلی و خارجی و شرکت در برنامه رادیو فرهنگ و ایراد سخنرانی در همایش‌های مسئولان آموزش و پرورش به معرفی هدفهای انجمن پرداخته شد و همکاری آنها را در راه ترویج علم جلب شد.

۸- عضویت در مؤسسه ترویج علوم و فناوری اتحادیه اروپا که به نام نمایشگاه‌های علمی، صنعتی و فناوری مشترک اروپایی

شناخته می‌شود^۱ و مراکز علمی، سازمان‌ها و مؤسسات شاغل

در همگانی کردن ترویج علم هم‌چنین موزه‌های علوم و

خانه‌های علم در آنها عضویت دارند.

۹- گروه تدوین منشور ترویج علم، از همان آغاز کار انجمن، در

صدد برآمد تا با بهره‌گیری از فرهنگ ملی و قانون اساسی؛

معارف اصیل دینی و اندیشه‌های دقیق علمی فرمان‌نامه ترویج

علم ایران را تهیه و تدوین کند. تاکنون در این راه نظرات

کارشناسان و صاحب‌نظران و اسناد موجود در ارتباط با موضوع را

جمع‌آوری کرده‌اند.

درست یک صد سال پس از تأسیس انجمن معارف مقدمات تأسیس انجمن ترویج علم ایران به‌وجود آمد. با این تفاوت اساسی که در آن روز کوشش بر آن بود تا دبستان و دبیرستانی و روزنامه و کتابخانه‌ای به‌وجود آید تا فرآورده‌های علم را به دانش‌آموزان انتقال دهد و امروز تلاش در این جهت است که یادگیرندگان با فرآیند علم آشنا شوند تا خود بتوانند به تولید علم دست بزنند.

سخن آخر

با سپاس از افراد و گروه‌هایی که برای آموزش و پرورش ایران

تلاش جانانه کردند اکنون جامعه ایرانی از انجمن‌های علمی و

مراکز آموزشی به ویژه انجمن ترویج علم ایران انتظار دارد که

کودکان و جوانان را به سواد علمی فناورانه مجهز کنند.

- آمادگی روبرو شدن با شرایط اجتماعی فردا را داشته باشند.
 - بتوانند مسائل و مشکلات پیچیده جهان فردا را که امروز برای ما پوشیده هستند پیش‌بینی کنند و برای حل آنها بکوشند.
 - خود را عضو مؤثر مسئول جامعه بدانند و بتوانند در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند.
 - توانایی ایجاد ارتباط با افراد، حفظ محیط‌زیست، کنترل جمعیت و صرفه‌جویی را داشته باشند.
 - مولد علم و فناوری باشند و توانایی تحلیل مسائل ناشناخته فردا و خلاقیت لازم برای حل آنها را داشته باشند.
 - حافظ و مروج ارزش‌های اخلاقی، معنوی و انسانی باشند.
 - مهارت‌های لازم برای بهتر زیستن و با هم زیستن را داشته باشند.
- در یکصد سال گذشته کوشش مسئولان بر آن بود که فرآورده‌های علم و فناوری را به کشور و به ذهن افراد منتقل کنند و اکنون شرایط را برای تولید علم و فناوری باید فراهم آورد و همراه سواد خواندن و نوشتن، سواد علمی- فناوریانه آموخت تا ایران مقام خود را در جهان بیابد و به توسعه پایدار برسد.

یادداشت‌ها

- ۱- اعضای انجمن معارف که پایه‌گذار مدارس جدید در کشور بودند، در ابتدا چند نفر و سرانجام به ۲۶ رسیده است.
- ۲- در جدیدترین آماري که از انجمن‌های علمی در دست است، تعداد ۱۵ انجمن علمی در گروه علوم پایه، ۵۰ انجمن در گروه فنی و مهندسی، ۱۳ انجمن در گروه کشاورزی و ۳۵ انجمن در گروه علوم انسانی در دفتر انجمن‌های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به ثبت رسیده است.
- ۳- بیانیه منشور توسعه علمی ایران، مصوب چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور.

منابع و مأخذ

- [۱] نظامی عروضی، احمدبن‌عمر، چهارمقاله، تهران - انتشارات زوار، سال ۱۳۴۴.
- [۲] معتمدی اسفندیار، پرسشهای ابوریحان - پاسخهای ابن سینا، تهران، انتشارات نغمه زندگی، سال ۱۳۸۲.
- [۳] سارتون، جورج، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، انتشارات همداد سال ۱۳۶۰.
- [۴] مخبرالسلطنه، خاطرات و خطرات، ص ۵۳، انتشارات زوار، چاپ چهارم سال ۱۳۷۵.
- [۵] حیات یحیی، تألیف حاج میرزا یحیی دولت آبادی، ص ۱۸۳ - ۱۸۲.
- [۶] حیات یحیی، تألیف حاج میرزا یحیی دولت آبادی، ص ۱۸۶.
- [۷] مدارس جدید در دوره قاجاریه، تهران، نشر دانشگاه، ص ۲۹۲، سال ۱۳۸۰.
- [۸] حیات یحیی، یحیی دولت آبادی ص ۱۵ - ۲۱۴.
- [۹] حیات یحیی، یحیی دولت آبادی ص ۲۲۱.
- [۱۰] حیات یحیی، یحیی دولت آبادی ص ۲۲۲.
- [۱۱] یغمایی، اقبال، وزیران علوم و معارف ایران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، سال ۱۳۷۵.
- [۱۲] حیات یحیی، یحیی دولت آبادی، جلد ۳، ص ۲۷۹ - ۲۶۷.
- [۱۳] دایره‌المعارف فارسی، جلد ۲، ص ۱۵۰۲.
- [۱۴] معتمدی اسفندیار، مدرسه باقریه و نظامیان آن، مجله میراث جاویدان، سال دوازدهم، بهار ۱۳۸۲، شماره ۴۵.

